



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

کاشی‌های هفت‌رنگ مزار در زیارتگاه‌های سلطان عطابخش و سلطان امیراحمد کاشان (سدهٔ دهم تا سیزدهم هجری قمری)

محمد رضا غیاثیان*

محمد مشهدی نوش آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

چکیده

در این مقاله کاشی‌های هفت‌رنگ با کاربرد لوح مزار از اواخر قرن دهم تا اوایل قرن سیزدهم هجری قمری که در دو زیارتگاه سلطان عطابخش و سلطان امیراحمد کاشان بر جای مانده، بررسی شده است. اولین نمونه متعلق به مزاری صندوقه‌ای از اواخر قرن دهم در دو رنگ مایهٔ لاجوردی بر زمینه‌ای سفید است. از قرن یازدهم، دست‌کم چهار لوح مزار باقی مانده که با نقوش گیاهی بر زمینه‌ای به رنگ زرد تزیین شده‌اند و جالب توجه اینکه برخی از آن‌ها فاقد متن هستند. نمونه‌های اوایل سدهٔ دوازدهم شامل تعدادی لوح قبر تشکیل شده از چهار کاشی خشتی است که قابی محرابی دارند. محدود آثار باقی مانده از دورهٔ قاجار، یا از کاشی‌های آبی و سفید ساخته شده‌اند، یا از کاشی‌های هفت‌رنگ با نقوش گل‌فرنگ. تمام داده‌های پژوهش به صورت میدانی برداشت شده و به شیوهٔ تفسیری تاریخی تحلیل شده‌اند. از مهم‌ترین مسئله‌های این مقاله، نحوهٔ شکل‌گیری و تکامل کاشی هفت‌رنگ مزارهای کاشان و تفاوت فرمی و محتوایی آن با لوح‌های سفالین زرین‌فام اوایل صفوی این شهر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از لحاظ محتوایی، توجه به مرثیه‌سرایی فارسی چشمگیر بوده و جایگزین عبارت‌های عربی دوره‌های قبل شده است. از نظر فرمی نیز به سبب ظرفیت‌های نقاشانهٔ کاشی هفت‌رنگ، تأکید بیشتری بر نقوش تزیینی گیاهی و هندسی رنگارنگ به چشم می‌خورد، درحالی که در نمونه‌های زرین‌فام، متن اهمیت بیشتری داشت.

کلیدواژه‌ها:

لوح مزار، هفت‌رنگ، کاشان، سلطان عطابخش، سلطان امیراحمد.

* استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

** دانشیار، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، نویسندهٔ مسئول، mmn5135@kashanu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. کاشی‌های هفت‌رنگ مزارهای کاشان به چه دوره‌های تاریخی تعلق داشته و چه ساختار و محتوایی دارند؟
۲. فرم و محتوای کاشی‌های هفت‌رنگ مزار کاشان در مقایسه با کاشی‌های مزار زرین‌فام سده نهم و دهم این شهر دچار چه تغییراتی شده است؟

مقدمه

تا آغاز سده هفتم هجری قمری، رنگ کاشی‌های ایرانی محدود به سفید و آبی تیره و روشن بود، اما در دوره ایلخانی با تولید کاشی به شیوه‌های معرق و نقاشی زیرلعابی و رولعابی رنگ‌های دیگری به رنگ‌های مورد استفاده کاشی‌سازان اضافه شد. اولین نمونه کاشی‌ها با نقاشی رولعابی که «هفت‌رنگ» نامیده می‌شوند، از زمان حکومت تیمور در سمرقند به جا مانده‌اند.^۱ البته عنوان هفت‌رنگ در متون امروزی ایران به این تکنیک اطلاق شده و بدین معنا نیست که همواره این کاشی‌ها از هفت رنگ تشکیل شده باشند، بلکه نمونه‌های زیادی از آن‌ها در دست است که بین دو تا شش رنگ دارند. در متون تاریخی، عنوان هفت‌رنگ برای نوعی از کاشی کاری به کار رفته که امروزه آن را نه هفت‌رنگ بلکه «مینایی» می‌نامیم.^۲ در متون لاتین، تکنیک کاشی کاری هفت‌رنگ در دنیای اسلام با عبارت اسپانیایی «کورداسکا»^۳ معرفی شده است. برخلاف آنچه پیش‌تر تصور می‌شد، این شیوه از اسپانیا به آسیای مرکزی راه نیافته بلکه تفاوت‌های تکنیکی آن‌ها نشان می‌دهد که به‌طور مجزا تکامل یافته‌اند (O'Kane 2011, 179).

کاشی‌های هفت‌رنگ به دلیل صرفه اقتصادی و سرعت اجرای بالا نسبت به کاشی معرق، در بناهای صفوی و قاجار به‌طور گسترده‌ای به کار رفته است. از این کاشی‌ها عموماً برای تزیین دیوارهای داخلی و خارجی و کمتر برای کف‌فرش استفاده شده است. در کاشان که از مراکز مهم تولید کاشی در دنیای اسلام بوده، گونه‌ای از لوح‌های مزار مرسوم بوده که نه با سنگ بلکه با کاشی‌های هفت‌رنگ ساخته شده‌اند؛ دسته‌ای از این لوح‌ها با ابعاد حدود ۷۰×۷۰ سانتی‌متر روی قبر قرار گرفته و دسته‌ای دیگر از کنار هم قرار گرفتن حداقل چهار کاشی خشتی تشکیل شده که در مجموع حدود ۴۷×۴۷ سانتی‌متر بُعد دارد. این لوح‌ها که مزین به نقوش گیاهی چشمگیری هستند، در دو زیارتگاه سلطان عطابخش و سلطان امیراحمد^۴ کاشان یافت شده‌اند و نمونه مشابهی در سایر مزارهای کاشان باقی نمانده است. نمونه‌های مربوط به بنای اول به‌صورت کف‌فرش هستند که اغلب آن‌ها در روند تدفین‌های مجدد ناقص شده یا به‌طور نامرتب کنار هم نصب شده‌اند. کاشی‌های مربوط به بنای دوم تا پیش از سال ۱۳۹۹ در ازاره‌های بنا در میان کاشی‌های ساده فیروزه‌ای نصب شده بودند که در جریان نوسازی بقعه در سال ۱۳۹۹ برچیده شده و نگارندگان در حال پیگیری برای نصب مجدد آن در بخشی از بنا هستند.

در این مقاله، لوح قبرهای ساخته‌شده از کاشی‌های هفت‌رنگ این دو بنا که بیش از بیست نمونه‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این آثار از لوح‌های سالم تا تکه کاشی‌هایی را در بر می‌گیرد که نمونه‌های تاریخ‌دار آن‌ها بین سال‌های ۹۸۸ق/۱۵۸۱م تا ۱۲۱۱ق/۱۷۹۶-۱۷۹۷م ساخته شده‌اند. این نوشتار با بهره‌گیری از جست‌وجوی میدانی و مطالعه کتابخانه‌ای و به روش تاریخی تفسیری انجام شده است. از مهم‌ترین مسئله‌های این مقاله، نحوه شکل‌گیری و تکامل کاشی هفت‌رنگ مزارهای کاشان و تفاوت فرمی و محتوایی آن با لوح‌های سفالین زرین‌فام اوایل دوره صفوی این شهر است.

پیش از رواج لوح‌های هفت‌رنگ (بازه زمانی اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری) گروهی از هجده لوح سفالین زرین‌فام در کاشان شناسایی شده که حداقل ده فقره از آن‌ها لوح مزارند.^۵ فرم و محتوای این لوح‌ها در مقاله‌ای مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که محتوای آن‌ها تحت تأثیر باورهای شیعی و محوریت صلوات بر چهارده معصوم است (مشهدی نوش آبادی و غیاثیان ۱۳۹۹). درباره کاشی‌های مزار مطالعه قابل توجه دیگری به چشم نمی‌خورد، مگر در خلال معرفی کتیبه‌ها و آثار تاریخی، که برای نمونه، فاطمه دانش یزدی (۱۳۸۷) چند کتیبه هفت‌رنگ

مزار صفوی و قاجار در یزد را معرفی کرده است. آرتور ایم پوپ، برنارد اوکان و آنتا سمکوف در مقالاتی به شکل گیری و تکامل کاشی هفت‌رنگ پرداخته‌اند (O'Kane 2011; Samkoff 2014; Pope 1977: 1348-1350). به هر حال، هیچ پژوهشی در مورد کاشی‌های هفت‌رنگ مزارهای کاشان انجام نشده است.

۱. تاریخچه ساخت لوح‌های مزار در کاشان

کاشان سابقه‌ای دیرین در ساخت لوح‌های مزار سنگی و سفالین دارد، به‌ویژه اینکه علاوه بر وجود معادن سنگ در روستاهای هم‌جوار، این شهر به ساخت انواع کاشی‌ها و سفالینه‌های لعاب‌دار شهره بوده است. قدیمی‌ترین سنگ قبر شناخته‌شده کاشان در بقعه حبیب بن موسی پیدا شده که در اندازه کوچک کنده‌کاری شده و تاریخ ۵۲۱ق/۱۱۲۷م دارد (نک: جمالی ۱۳۹۱، ضمیمه فاقد شماره صفحه). البته سنگ قبرها همواره در ابعاد کوچک نبوده‌اند؛ نوع دیگری از سنگ قبر که از دوره تیموری تا اواسط دوره صفوی در کاشان رواج داشته است، سنگ قبرهای صندوقه‌ای یا مکعب‌مستطیلی یک‌تکه به طول تقریبی ۱۸۰ و عرض و ارتفاع تقریبی ۴۰ سانتی‌متر است. سنگ مورد نیاز این صندوقه‌ها عموماً از معادن سنگ مناطق کوهستانی اطراف به کاشان منتقل می‌شده است.

حداقل چهار نمونه سنگ مزار صندوقه‌ای از دوره تیموری در کاشان به جا مانده است. دو فقره از این سنگ‌ها منسوب به قبور عمادالدین محمود شیروانی و همسر اوست. سنگ قبر عمادالدین واقف مجموعه عمادی کاشان، متضمن آیت‌الکرسی، صلوات کبیره و اشعار فارسی است و تاریخ ۸۸۲ق/۱۴۷۷م دارد (مشکاتی ۱۳۴۵، ۱۴). دو سنگ صندوقه‌ای بزرگ با کاربرد زیارتگاهی در کاشان وجود دارد که هر دو مورد، اثر مشترک محمد محلاتی و مبارک‌شاه است. یکی از آن‌ها به تاریخ ۱۴ ربیع‌الثانی ۸۵۹ق/۱۴۵۵م بر مزار شاه شمس‌الدین در بقعه قاضی اسدالله قرار دارد که بر دورتادور آن آیت‌الکرسی آمده است. سنگ دیگری نیز به همین سبک در بقعه حبیب بن موسی و بر روی سردایه مزار شاه‌عباس اول قرار دارد، اما نام متوفی و تاریخ وفات که طبعاً باید از نیمه دوم قرن نهم هجری قمری باشد، عمداً محو شده است. نمونه‌هایی از سنگ‌های صندوقی در بسیاری از مناطق اطراف کاشان به چشم می‌خورد که تاریخ ساخت آن‌ها از ابتدای سده دهم تا پایان سده یازدهم هجری قمری است.^۶ در اواخر قرن یازدهم و تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری نوعی سنگ قبر تخت به طول تقریبی ۱۸۰ تا ۲۰۰ و عرض تقریبی ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر در منطقه کاشان ساخته می‌شد که بیشتر دربردارنده صلوات کبیره است و گاهی نقش سرو و گل‌وبوته نیز دارد (مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۴۰۰). در این دوران و پس از آن سنگ‌های قبر کوچک‌تر به ابعاد تقریبی ۳۰×۴۰ سانتی‌متر نیز ساخته می‌شد که برخی از آن‌ها متضمن صلوات کبیره در حاشیه دورتادور است.

از آنجا که کاشان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید سفال و کاشی در دنیای اسلام بوده، طبعاً بسیاری از قبور این شهر به کاشی مزین می‌شد. قبور افراد مهم در دوره ایلخانی با لوح‌های سفالی زرین‌فام ساخته می‌شد که نمونه‌هایی از آن باقی مانده است. از جمله آن‌ها می‌توان به صندوق مزار بقعه حبیب بن موسی (به تواریخ ۶۷ق/۱۲۶۸م و ۷۰ق/۱۲۷۱م)،^۷ قبر منوچهر بن محمود عزالدین النابینی (به تاریخ ۷۲۰ق/۱۳۲۰م)^۸ و قبر قاضی جلال‌الدین عبدالملک^۹ اشاره کرد. آخرین کاشی زرین‌فامی که در سده هشتم هجری قمری بر ما شناخته شده، لوح مزار زیارتگاه بابا شجاع‌الدین به تاریخ ۷۷۷ق/۱۳۷۵-۱۳۷۶م است.^{۱۰} یک سده بعد، تعدادی لوح مزار زرین‌فام در کاشان به جای مانده که تاریخ ساخت آن‌ها از سال ۸۸۱ق/۱۴۷۶-۱۴۷۷م تا ۹۶۷ق/۱۵۶۰م امتداد دارد (نک: مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۳۹۹). آن‌ها عموماً شامل کاشی یک‌تکه‌ای هستند که میانگین ابعاد آن‌ها در حدود ۲۴×۳۶ سانتی‌متر است (تصاویر ۱ و ۲). برخلاف لوح‌های زرین‌فام ایلخانی که محتوای غالب آن‌ها آیات قرآن است، نمونه‌های اواخر تیموری و اوایل صفوی بیشتر دربردارنده صلوات کبیره هستند.

نمونه‌هایی از قبر صندوقی پوشیده‌شده از کاشی معرق نیز در کاشان به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به قبر سید جلال‌الدین بن سید احمد کاشی در زیارتگاه عطابخش از سال ۹۲۳ق/۱۵۱۷م اشاره کرد که دورتادور آن صلوات کبیره نوشته شده است. از اواخر قرن دهم هجری قمری تعدادی لوح مزار در زیارتگاه‌های عطابخش و امیراحمد کاشان



تصویر ۲: لوح زرین قام مزار شیخ جمال الدین مسعود، ۹۶۷ق/۱۵۶۰م، موزۀ هنر و صنایع دستی هامبورگ^{۱۱} (ش ۱۹۶۰.۶۴)، (همان، ۱۳۱)



تصویر ۱: لوح زرین قام مزار خیاط آرائی، ۸۹۱ق/۱۴۸۶م، مؤسسۀ هنر شیكاگو (ش ۱۹۱۶. ۱۴۵)، (مشهدی نوش آبادی و غیثیان، ۱۳۹۹، ۱۱۴)

به جای مانده که با کاشی‌های خشتی هفت‌رنگ شکل گرفته‌اند. آن‌ها به لحاظ هنری و محتوایی با سنگ قبرهای تخت و صندوقی این دوران متفاوت‌اند و نمونه‌هایی از آن تا اوایل دورۀ قاجار نیز کاربرد داشته که پرداختن به آن هدف اصلی این مقاله است. ابعاد هر کاشی مربعی در این لوح‌ها، بین ۲۰ تا ۲۳ سانتی‌متر متغیر است.

۲. زیارتگاه‌های سلطان عطاءبخش و سلطان امیراحمد

زیارتگاه سلطان عطاءبخش یکی از بناهای تاریخی دارای ارزش معماری و هنری قابل ملاحظه در کاشان است که به شماره ۹۴۱ در فهرست میراث ملی ثبت شده است. این زیارتگاه در دورۀ معاصر دچار تغییراتی در بخش صحن، به‌ویژه بعد از اجرای خیابان دروازه اصفهان شده است. گرچه حسن نراقی این زیارتگاه را از دورۀ آل بویه می‌داند (نراقی، ۱۳۸۲، ۱۱۵-۱۱۷)، قدیمی‌ترین آثار موجود در آن متعلق به اوایل صفوی است؛ اما با توجه به محتوای کتیبه در ورودی بقعه می‌توان گفت که این بنا قبل از صفوی نیز وجود داشته است. زیارتگاه شامل صحن، ایوان، گنبدخانه، شبستان پیرامونی، درهای تاریخی، انواع قبرهای کاشی در شبستان، گنبد دوپوستۀ رک، نقاشی‌های قاجاری متنوع در محراب، سقف و اطراف بقعه و بخش‌های مختلف ایوان است. زیارتگاه مشحون از آثار و کتیبه‌های تاریخی از دوران صفوی و قاجار است. از جمله آثار اوایل صفوی می‌توان به دو لنگه در چوبی منبت‌کاری ورودی بقعه به تواریخ ۹۵۹ق/۱۵۵۲م و ۹۶۲ق/۱۵۵۵م و چندین قبر صندوقه‌ای در شبستان اشاره کرد. برخی از سنگ مزارها از جنس مرمر است، از جمله سنگ قبر محمدطاهر نقاش، شاعر، خوش‌نویس و نقاش معروف کاشی از سال ۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م (نراقی، ۱۳۸۲، ۱۱۵-۱۱۷؛ غیثیان و اسدی چیمه، ۱۴۰۰). حداقل سیزده لوح قبر کاشی هفت‌رنگ از قرن دهم تا سیزدهم هجری قمری در این بنا باقی مانده که در این مقاله معرفی خواهند شد (تصاویر ۳ و ۴).

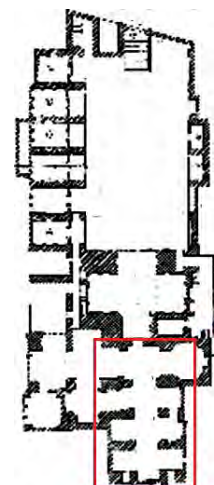


راست؛ تصویر ۳: نقشۀ زیارتگاه عطاءبخش (سازمان میراث‌فرهنگی ۱۳۵۲). محل مزارهای کاشی هفت‌رنگ با مستطیل قرمز مشخص شده است. چپ؛ تصویر ۴: مزارهای زیارتگاه عطاءبخش.

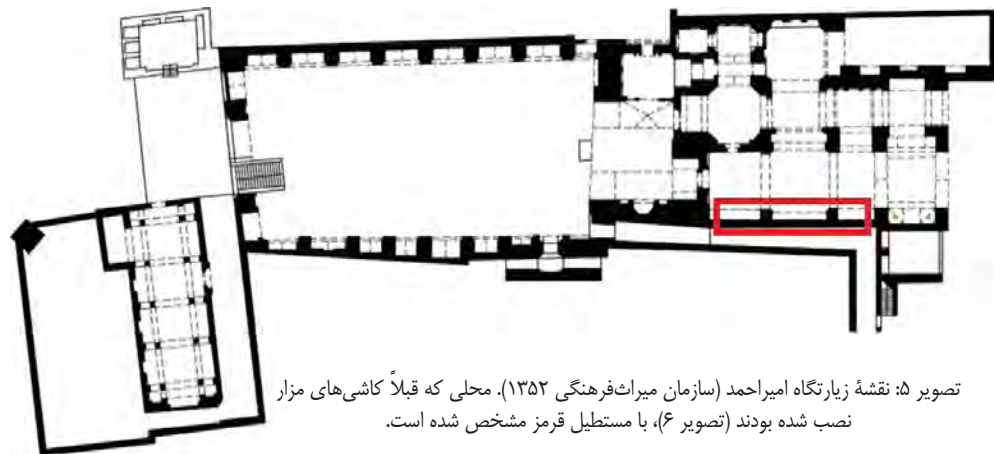
مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۰ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۸



زیارتگاه سلطان امیراحمد در محله‌ای به همین نام واقع شده و مشتمل بر حرم، ایوان، محراب و صحن و رواق‌های پیرامون، گنبد دوپوسته رک همراه با گلدسته‌های جانبی کاشی‌کاری شده است. این بنا در سال ۱۳۲۱ش به ثبت آثار ملی ایران (شماره ۳۵۲) رسیده است. این زیارتگاه در نیمه اول قرن دهم هجری قمری تغییرات اساسی کرده است، چنان‌که کاشی‌های گنبد، ضریح چوبی و پنج در زیارتگاه در این دوره ساخته شده است (نراقی ۱۳۸۲، ۱۳۲-۱۳۴). بر روی درها و ضریح چوبی قدیمی، کتیبه‌های تاریخ‌دار متنوعی کنده‌کاری شده که تاریخ بیشتر آن‌ها ۹۴۱ق/۱۵۳۵م و یکی از آن‌ها ۹۳۳ق/۱۵۲۷م است (همان‌جا). رابط بین صحن و حرم، ایوان بزرگی با سقف آجری است که با انواع رسمی‌بندی و نیز محراب گچ‌بری تزیین شده و عمدتاً در اواخر صفوی اجرا شده‌اند. در سال ۱۳۸۳ طی لایه‌برداری اداره میراث‌فرهنگی از دیوار جبهه شرقی ایوان (در کنار ورودی)، کتیبه‌های گچ‌بری به تاریخ ۱۱۴۵ق/۱۷۳۲-۱۷۳۳م آشکار شد که با تاریخ لوح‌های مزار سازگاری دارد. پیشانی ایوان با کاشی‌های معرق پوشیده شده که مزین به نقوش گیاهی و شیر و خورشید است. در ازاره‌های این زیارتگاه چند لوح قبر کاشی هفت‌رنگ صفوی در میان کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای نصب شده بود که اکنون از جای خود برداشته شده‌اند (تصاویر ۵ و ۶).



تصویر ۵: نقشه زیارتگاه امیراحمد (سازمان میراث‌فرهنگی ۱۳۵۲). محلی که قبلاً کاشی‌های مزار نصب شده بودند (تصویر ۶)، با مستطیل قرمز مشخص شده است.



تصویر ۶: وضعیت ازاره‌های جبهه جنوب غربی زیارتگاه امیراحمد در سال ۱۳۹۸ش. با تخریب ازاره‌ها در سال ۱۳۹۹ش، امکان تهیه عکس بهتری از بنا وجود نداشت.

۳. معرفی لوح‌های مزار هفت‌رنگ

در میان لوح‌های مزاری که در این مقاله معرفی می‌شوند، فقط شش نمونه تاریخ‌دار هستند و بر اساس تطابق رنگ و نقش، سایر نمونه‌ها تاریخ‌گذاری تخمینی شده و به ترتیب دوره‌های زمانی بررسی خواهند شد. این دوره‌ها به اواخر سده دهم، سده یازدهم، نیمه اول سده دوازدهم و سده سیزدهم هجری قمری تقسیم‌بندی شده‌اند.

۳. ۱. اواخر سده دهم هجری قمری

در میان بیش از بیست لوح مزار ساخته شده از کاشی هفت رنگ که در این مقاله بررسی می شوند، نمونه های چندانی از سده دهم هجری قمری باقی نمانده است؛ اما یک قبر صندوقی نسبتاً سالم از سال ۹۸۸ ق/ ۱۵۸۱ م که در ادامه معرفی می شود، می تواند به شناخت ما از نحوه شکل گیری و پیدایش کاشی های هفت رنگ در لوح های مزار کاشان کمک کند.

۳. ۱. ۱. محمدقاسم، مورخ ذی الحجه ۹۸۸ ق/ ۱۵۸۱ م

در زیارتگاه عطابخش، تنها نمونه باقی مانده از یک قبر صندوقی پوشیده شده از کاشی های خشتی متعلق به دوره صفوی در کاشان به چشم می خورد (تصویر ۷).^{۱۲} در وضعیت فعلی، جداره صندوق به اندازه سه کاشی ارتفاع دارد و ابعاد رویه آن یازده در چهار کاشی است. کاشی ها مربعی شکل و به ابعاد ۲۰ سانتی متر در دو رنگ مایه لاجوردی به تکنیک نقاشی رولعابی بر زمینه ای سفید کار شده اند. نقوش این کاشی ها از تکرار یک گل ختایی بزرگ و یک گل پنج پر کوچک تر حاصل شده است. در بالای جداره ها، کتیبه ای به ارتفاع ۱۰ سانتی متر دربردارنده صلوات کبیره است. این کتیبه روی همان کاشی های مربعی ۲۰×۲۰ سانتی متر اجرا شده و نیمه پایینی این کاشی ها دارای همان طرح گل های ختایی است. فقط چند کاشی از این کتیبه باقی مانده و بخش های افتاده آن، با کاشی های هفت رنگی که متعلق به سایر بخش های بنا بوده تکمیل شده است. نکته بسیار مهم اینکه در ساخت این کتیبه از ورق طلا استفاده شده است؛ تکنیکی که امروزه بدان لاجوردینه^{۱۳} گفته می شود. اوج رواج ساخت این گونه کاشی ها دوره ایلخانی بوده و ابوالقاسم عبدالله کاشانی در آغاز سده هشتم هجری قمری آن را «مطالا» نامیده است (کاشانی ۱۳۸۶، ۳۴۷). تصور عموم محققان این است که این سفالینه ها تا اوایل دوره تیموری تولید می شدند (نک: اکبری، چیت سازیان، و موسوی ۱۳۹۹، ۵۳). اما کتیبه قبر محمدقاسم نشان می دهد که تکنیک لاجوردینه تا اواخر قرن دهم هجری قمری نیز رواج داشته است.

در جریان توسعه شبستان زیارتگاه در دوره قاجار، سه جانب این صندوق قبر با جرزها و پایه بنا محصور شده است.^{۱۴} بر روی صندوق، در میان چهار کاشی یک قاب پنج ضلعی رسم شده که نام متوفی و تاریخ در آن یافت می شود. نکته جالب توجه، دقت نکردن کاتب در نگارش متن روی کاشی هاست که در چند جا مصراع های اشعار را پس و پیش نوشته است. متن کتیبه که به خط نستعلیق است، به صورت تصحیح شده چنین خوانده می شود (تصویر ۷):

(۱) آه کز عمر و جوانی ناامید (۲) شد محمدقاسم فرخنده نام، (۳) قره العین اهالی عین جود/ نور «م»^{۱۵} (۲) چشم مردم ذی الاحترام (۳) قول و فعل او پسندیده همه (۴) طور و وضع او قبول خاص عام/ [چون] فرشته پاک از آلودگی (۵) گشت روحش طایر دارالسلام/ [خو]ش برآمد پاک آن در یتیم (۶) رفت ازین دریای حسرت تلخ کام (۷) گر نشانش محو شد از لوح خاک «م»/ (۶) «ح» ماند در ایام نامش مستدام (۸) سال هجرت نهصد هشتاد هشت/ در مه ذی الحجه شد عمرش تمام (۷) کل شیء هالک الا وجهه (۹) بر هیچ آدمی اجل ابقا نمی کند/ سلطان مرگ هیچ محابا نمی کند.

اگرچه سراینده هفت بیت آغازین این شعر معلوم نیست، بیت آخر، سروده کمال الدین اسماعیل اصفهانی (متوفی ۱۲۳۷ ق/ ۱۸۲۱ م)، یکی از شاعران سده هفتم هجری قمری است. این بیت بر قبور دیگری نیز نوشته شده که برای نمونه می توان به یک لوح زرین فام مورخ ۸۸۶ ق/ ۱۴۸۱ م اشاره کرد (مشهدی نوش آبادی و غیاثیان ۱۳۹۹، ۱۱۳).

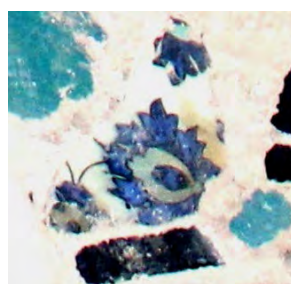
این قبر درست در زمانی ساخته شده که لوح های مزار زرین فام در کاشان از رواج افتادند.^{۱۶} آخرین لوح قبر زرین فامی که می شناسیم برای شیخ جمال الدین مسعود المعرف الشیرازی در سال ۹۶۷ ق/ ۱۵۶۰ م تولید شده است (همان، ۱۲۰-۱۲۱؛ Kanda 2017, 274-277). مزار محمدقاسم هم از نظر فرم و هم محتوا نشان دهنده گذار از لوح های زرین فام به کاشی های هفت رنگ است. از حیث محتوا جالب توجه است که حاشیه ای از صلوات کبیره دارد و نیز شعری از کمال الدین اسماعیل در آن مکتوب شده که هر دو مورد در نمونه های زرین فام به کار می رفتند. از حیث فرمی، از طرفی هنوز شاهد رنگ های متنوع کاشی های هفت رنگ نیستیم و فقط از دو رنگ مایه لاجوردی بر زمینه سفید استفاده شده و از طرف دیگر کتیبه صلوات به تکنیک لاجوردینه ساخته شده است.



تصویر ۷: مزار محمدقاسم، ۹۸۸ق/۱۵۸۱م، زیارتگاه عطابخش

۳. ۱. ۲. عمادالدین، بدون تاریخ

در یکی از حجره‌های جبهه غربی حیاط زیارتگاه عطابخش چند فقره کاشی شکسته نگهداری می‌شوند که شباهت سبکی (از نظر نقوش گیاهی، رنگ‌بندی و ابعاد) یکی از آن‌ها با قبر محمدقاسم به حدی است که می‌توان فرض کرد که هر دو در یک کارگاه در سده دهم ساخته شده باشند (تصویر ۸). طرح این تکه کاشی نشان می‌دهد که مشابه قبر محمدقاسم، متن کتیبه احتمالاً روی چهار کاشی بوده و بقیه سطح قبر با شبکه‌ای از گل‌های ختایی پوشانده شده بوده است. نکته جالب توجه در تزیینات گیاهی این است که در مقایسه با قبر محمدقاسم، رنگ‌بندی فضای خلوت و جلوت (مثبت و منفی) برعکس شده و حکایت از دانش زیاد هنرمند در رنگ‌شناسی دارد. متن آن چنین است: «(۱) عمادالدین که بودش اسم... (۲) دل فروزی که چون خورشید رخشان». نمونه‌ای از یک کاشی با تزیین گیاهی دقیقاً مشابه در کف‌فرش شبستان در مجاورت قبر محمدقاسم به چشم می‌خورد که احتمال دارد متعلق به قبر عمادالدین یا قبری مشابه باشد (تصویر ۹).



تصویر ۹: کف‌فرش زیارتگاه عطابخش



تصویر ۸: قطعه کاشی متعلق به قبر عمادالدین، زیارتگاه عطابخش

۲.۳. سده یازدهم هجری قمری

در میان قبرهای زیارتگاه عطابخش، هفت نمونه از نظر سبک و ابعاد شباهت قابل توجهی با یکدیگر دارند و از آنجا که یکی از آن‌ها تاریخ ۱۰۵۷/ق ۱۶۴۷م دارد، بقیه را نیز می‌توان در سده یازدهم هجری قمری یا کمی بعد از آن تاریخ‌گذاری کرد. عرض آن‌ها حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر و طول آن‌ها حدود ۱۷۰ سانتی‌متر است. آن‌ها بیشتر با نقوش گیاهی مانند اسلیمی‌ها و ختایی‌هایی به رنگ‌های لاجوردی، سبز و فیروزه‌ای بر زمینه‌ای به رنگ زرد تزیین شده‌اند. به جز یک نمونه، همگی حاشیه‌هایی از کاشی‌های باریک به عرض تقریبی ۱۰ سانتی‌متر دارند. جالب توجه اینکه پنج نمونه از آن‌ها فاقد متن هستند که در ادامه معرفی می‌شوند.

۱.۲.۳. میرحسینی، مورخ ۱۰۵۷/ق ۱۶۴۷م

در حال حاضر، این قبر از دوازده کاشی (در دو ستون شش‌تایی) تشکیل شده و برای حاشیه‌ها از کاشی‌هایی به ابعاد ۲۰×۱۰ سانتی‌متر استفاده شده است (تصویر ۱۰). در پایین، یک طرح گلدانی به رنگ لاجوردی با اسلیمی‌هایی به رنگ‌های زرد و فیروزه‌ای طراحی شده است. بخش عمده کاشی‌های این قبر از گل و برگ‌های ختایی بر زمینه‌ای به رنگ زرد درخشان تشکیل شده است که در جریان تدفین‌های متعدد به‌صورت نامرتب کنار هم جای گرفته‌اند. حاشیه‌ها نیز دربردارنده گل و برگ‌هایی مشابه اما با ابعاد کوچک‌تر و بر زمینه‌ای لاجوردی است. متن کتیبه‌ها به خط نستعلیق بسیار ریز و در گوشه پایینی در زیر نقش گلدانی آمده است: «(۱) له الحکم و الیه ترجعون، کل شیء هالک الا وجهه (۲) میرحسینی بتاریخ سیم محرم الحرام سنة ۱۰۵۷، وفات یافت بنته سیادت‌پناه». علاوه بر اندازه بسیار کوچک و غیرمعمول کتیبه‌ها، در این متن خبری از اشعار و ماده‌تاریخ نیست و عجیب‌تر اینکه نام متوفی به‌صورت کامل ثبت نشده است. فقط از طریق کلمه «بنته» می‌توان پی برد که او یک دختر بوده است. در میان نمونه‌های مورد بررسی، این تنها قبر احتمالاً کاملی است که کتیبه آن نشان می‌دهد متعلق به یک دختر بوده و تفاوت بارز آن با قبور مردان در این نکته است که متن کتیبه در کلیت لوح غالب نیست و در اندازه بسیار کوچک آمده است.



تصویر ۱۰: مزار دختر میرحسینی، ۱۰۵۷/ق ۱۶۴۷م، زیارتگاه عطابخش

۲.۲.۳. عبدالله، بدون تاریخ

در میان نمونه‌های مورد بررسی، طولانی‌ترین متن بر این لوح یافت می‌شود. در روند تدفین‌های مجدد، این کاشی‌ها به‌طور نامرتب روی قبر نصب شده و هشت قطعه آن نیز روی قبر مجاور جای گرفته است (تصویر ۱۱). چیدمان صحیح کاشی‌ها به کمک نرم‌افزار نشان می‌دهد دو کاشی که دربردارنده ماده‌تاریخ و سال تدفین بوده از بین رفته و فقط می‌دانیم که وفات در «دویم ماه صفر» اتفاق افتاده است. متن کتیبه‌ها:

(۱) هو (۲) انت الباقی (۳) کل شیء هالک (۴) با که گویم شرح حال این داستان / شکو[ه] دارم ز جور آسمان (۵) کز جفا بر هم زده جمعیت / داده بر باد فنا یک گلستان (۶) نیست دیگر خویش و پیوندی ز من / یک گل خوش‌رنگ [و] بو در بوستان (۷) برد یک‌یک را ازین گلشن برون / مانده‌ام تنها من بی‌همگنان (۸) خاصه آن گل را که عند

امراالله/ داشت از جدش رسول الله نشان (۹) میرزائی صاحب عزّ و وقار/ یادگاری از بزرگان جهان (۱۰) محتسب تو دان بزرگ نیک[نا]م/ با بزرگها غلام میهمان (۱۱) تا که ممتاز وفاکیش[ا]ن شوم/ عندلیب آسا برآوردم فغان (۱۲) سفره بر [پیش]ش فتاده .../ طعمه خوارانش ... جهان (۱۳) دویم ماه صفر هنگام عصر/ کرد مهر عمر او مغرب مکان (۱۴) زین قضیه دیده پر خون گشته ام/ همچو شمع تعزیه [آتش بجان (۱۵) اشک ریزم همچو شمع از سوز دل / خون ببارم از سحاب دیدگان (۱۶) آن قدر گریم که خوناب دلم/ از بصر بر عارضم گردد روان (۱۷) ...یی از مر.../ ... که بر دل دارم] ... (۱۸) ... [تاریخ و]فاتش خواستم/ از خرد گفتا بگو ... (۱۹) ... سحاب ریز/ کرد عبدالله ... برخلاف بقیه نمونه های مشابه که عرضی به اندازه دو کاشی دارند، قاب کلی این مزار به اندازه سه کاشی عرض دارد و به همین دلیل فاقد حاشیه ای از کاشی های ۱۰ سانتی متری مجزا است. این اثر در مجموع دو حاشیه دارد: یک حاشیه برونوی باریک با نقوش هندسی ساده از لوزی های تکرارشونده و یک حاشیه درونی پهن تر که دربردارنده اسلیمی ها بر پس زمینه ای به رنگ زرد است. قاب اصلی که طرح محرابی شکل دارد، جدول کشی شده و در میان جداول، اشعار آمده است. در فضای خالی پایین کتیبه ها، گل و بوته هایی به رنگ سبز و لاجوردی بر زمینه ای به رنگ زرد ترسیم شده است. ابعاد این قبر (۹×۳ کاشی) بزرگ تر از نمونه هایی است که در ادامه معرفی خواهند شد و از این حیث با مزار محمد قاسم (مورخ ۹۸۸ق) تشابه دارد، اما کاربست غالب رنگ زرد در آن با قبر میرحسینی (مورخ ۱۰۵۷ق) قابل تطبیق است و به همین دلیل، شاید بتوان آن را در نیمه اول سده یازدهم هجری قمری تاریخ گذاری کرد.



تصویر ۱۱: مزار عبدالله، زیارتگاه عطابخش

۳.۲.۳. قبور بدون متن در زیارتگاه عطابخش

یکی از گونه‌های لوح مزار کاشان، قبرهای پوشانده‌شده از کاشی‌های هفت‌رنگ بدون وجود هیچ‌گونه نوشته و کتیبه است. بر اساس ویژگی‌های سبکی (تشابه نقوش و رنگ‌بندی آن‌ها با قبر میرحسینی)، حداقل دو فقره از آن‌ها را می‌توان در سده یازدهم هجری قمری تاریخ‌گذاری کرد. عرض این قبرها دو کاشی و طول آن‌ها حدود شش یا هفت کاشی بوده و معمولاً یک حاشیه مجزا از کاشی‌هایی به عرض تقریبی ۱۰ سانتی‌متر نیز دور آن‌ها آمده است. سه نمونه از آن‌ها طرح گلدانی دارد (تصاویر ۱۲، ۱۳ و ۱۵)، یکی از نمونه‌ها طرح گل‌های افشان مشابه نقوش قالی (تصویر ۱۶) و یکی طرح سرو و گل‌بوته‌ها در قاب محرابی دارد (تصویر ۱۷). عموماً کاشی‌های این قبرها در روند تدفین‌های مجدد ناقص شده و به‌صورت نامنظم روی قبر را پوشانده‌اند که در این مقاله چیدمان صحیح برخی از آن‌ها به کمک نرم‌افزار ارائه شده‌اند. نکته جالب توجه شباهت بسیار زیاد طرح و رنگ حاشیه‌های دو مورد از این قبرها با حاشیه قبر میرحسینی (مورخ ۱۰۵۷ق) است که می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هر سه در یک کارگاه ساخته شده‌اند (تصویر ۱۴). شایان ذکر است که در دو طرف این حاشیه‌ها یک خط رنگی ترسیم شده که رنگ آن‌ها در سه قبر متفاوت است و این نشان می‌دهد که متعلق به سه قبر مجزا هستند. علاوه بر این، طرح گلدانی تصویر ۱۲ کاملاً یکسان با قبر میرحسینی است و این احتمال نیز هست که دربردارنده کتیبه‌ای بوده که اکنون از بین رفته است.

شباهت زیاد این نمونه‌ها با قبر میرحسینی احتمال زن بودن متوفایان این قبور را قوت می‌بخشد. رنگ غالب در تمام این لوح‌ها زرد است که در پس‌زمینه به چشم می‌خورد. پس از آن به‌ترتیب رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید، سبز و قهوه‌ای به کار رفته است.

سایر قبور بدون متن را نمی‌توان تاریخ‌گذاری دقیقی کرد، چراکه نمونه‌های مشابه تاریخ‌دار و حتی بدون تاریخ دیگری در کاشان بر ما شناخته‌شده نیست. صرفاً می‌توان احتمال ساخت آن‌ها در سده یازدهم یا اوایل سده دوازدهم هجری قمری را مطرح نمود. یکی از قبرهای زیارتگاه عطابخش با کاشی‌هایی پوشانده شده که به‌طور مشخص می‌توان گفت متعلق به دو قاب کاشی‌کاری مجزا بوده است (تصویر ۱۸). تفاوت دو قاب در ضخامت حاشیه‌ها و نوع نقوش گیاهی است. چیدمان صحیح کاشی‌ها به کمک نرم‌افزار، فقط طرح کلی یکی از آن‌ها را آشکار می‌کند که احتمالاً یک قاب مربعی به ابعاد چهار کاشی در چهار کاشی بوده و در میان آن، قابی لوزی طراحی شده است. کاشی‌های قاب دوم به‌گونه‌ای نیستند که بتوان طرح آن را بازسازی کرد. درمجموع نمی‌توان اظهار نظر قاطعی در مورد کاشی‌های این دو قاب کرد و با توجه به قطع مربعی نمونه اول، حتی این احتمال وجود دارد که لوح مزار نباشند. اما نکته مهم در نوع طراحی گل‌های این دو قاب است که به رنگ صورتی با دورگیری سفید هستند و می‌توان آن‌ها را از اولین نمونه‌های ترسیم فرنگ یا گل صدبرگ در کاشی‌کاری ایران دانست. این نوع از گل‌ها در هنر قاجار رواج و تکامل یافتند که نمونه‌های آن در ادامه معرفی خواهند شد (تصاویر ۲۹ و ۳۰). به همین دلیل، کاشی‌های نصب‌شده روی این قبر می‌توانند متعلق به اواخر صفوی یا حتی پس از آن باشند.

۳.۳. نیمه اول سده دوازدهم هجری قمری

تعدادی قبر از اوایل سده دوازدهم هجری قمری در زیارتگاه امیراحمد به جا مانده که عموماً شامل چهار کاشی خشتی هفت‌رنگ هستند. اگرچه طرح آن‌ها کامل به نظر می‌رسد، این احتمال منتفی نیست که بخشی از لوح بزرگ‌تر بوده باشند. با این اوصاف تلاش ما برای یافتن قطعات احتمالی دیگر نتیجه‌ای در بر نداشت. در سمت چپ و راست آن‌ها دو لچکی طراحی شده و در مرکز یک طرح محرابی ایجاد شده است. لچکی‌ها شامل اسلیمی‌هایی به رنگ زرد بر زمینه‌ای به رنگ لاجوردی یا فیروزه‌ای است. در درون این طرح محرابی، نوشته‌ها بر زمینه‌ای به رنگ سفید آمده و سطور نوشته‌ها با دو خط باریک موازی جدول‌کشی شده است. به‌طور میانگین در هر لوح حدود هفت سطر نوشته وجود دارد که اگر متن کتیبه حاوی شعر باشد، هر سطر نیز از وسط به دو بخش مجزا جدول‌کشی شده است. البته دو کاشی از این نوع لوح مزار در زیارتگاه عطابخش هم پیدا شد که در ادامه معرفی می‌شود.



تصویر ۱۳: قبر گلدانی، زیارتگاه عطابخش

تصویر ۱۲: قبر گلدانی با نقوش هندسی (لبه بالایی گلدان، مشابه قبر میرحسینی در پایین دیده می‌شود)، زیارتگاه عطابخش



تصویر ۱۵: قبر گلدانی، زیارتگاه عطابخش



تصویر ۱۴: از راست به چپ: حاشیه قبر میرحسینی مورخ ۱۰۵۷ ق، حاشیه قبرهای بدون تاریخ در تصاویر ۱۲ و ۱۳



تصویر ۱۶: قبر با نقوش گیاهی افشان، زیارتگاه عطابخش



تصویر ۱۸: کاشی‌های منقوش متعلق به دو قاب مجزا روی یک قبر را پوشانده‌اند که یکی از آن‌ها به کمک نرم‌افزار چیدمان شده است؛ زیارتگاه عطابخش



تصویر ۱۷: قبر با نقش سرو، زیارتگاه عطابخش

۳.۱.۳. خواجه عبدالکریم شیرازی، مورخ ۱۱۱۱ق/۱۷۰۰م

این لوح قدیم‌ترین نمونه تاریخ‌دار از این دست است که در پنج سطر به خط ثلث نگاشته شده است (تصاویر ۱۹ و ۲۰). پیش از جدا کردن آن از ازاره‌های دیوار، قطعه بالایی سمت راست آن در لوح دیگری جای گرفته بود (تصویر ۲۲). اگرچه همانند نمونه‌های مشابه، در این لوح برای هفت سطر کتیبه فضای خالی تعبیه شده، متن در سطر پنجم به پایان رسیده و ناچار فضای سطور ششم و هفتم که جداول آن هنوز پیداست، با چند گل و برگ ختایی پر شده است. این تزیینات که ناشیانه اجرا شده‌اند در رنگ‌بندی متفاوت با لچکی‌ها بر زمینه‌ای به رنگ زرد نقش بسته‌اند. متن کتیبه: «(۱) هو الباقی (۲) وفات یافت مرحمت و (۳) مغفرت دستگاه جنت و رضوان (۴) آرامگاه خواجه عبدالکریم (۵) شیرازی بتاریخ پانزدهم شعبان سنة ۱۱۱۱».

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۰ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱۶



تصویر ۲۰: وضعیت لوح مزار خواجه عبدالکریم در سال ۱۳۹۸ش



تصویر ۱۹: لوح مزار خواجه عبدالکریم، ۱۱۱۱ق/۱۷۰۰م، زیارتگاه امیراحمد

۳.۳.۲. نورالدین محمد، مورخ ۱۱۲۸ق/۱۷۱۶م

این نمونه از نظر ساختار و طراحی همانند لوح مزار عبدالکریم شیرازی است با این تفاوت که در اینجا متن در هفت سطر نگاشته شده و تا پایین لوح امتداد یافته است. سه کاشی از این کتیبه باقی مانده است. متن کتیبه: «(۱) [هو] [الباقی (۲) [کل شیء] هالک الا وجهه (۳) ... [مغفرات و غفران پناه (۴) آقا نورالدین محمد ابن مرحوم (۵) استاد شهیار حلاج کاشانی (۶) بتاریخ شهر رجب المر- (۷) جَب من شهر سنة ۱۱۲۸]»



تصویر ۲۲: وضعیت لوح مزار نورالدین محمد در سال ۱۳۹۸ ش



تصویر ۲۱: لوح مزار نورالدین محمد، ۱۱۲۸ق/۱۷۱۶م،
زیارتگاه امیراحمد

۳.۳.۳. محمدحسین، مورخ ۱۱۲۹ق/۱۷۱۷م

طراحی این نمونه با دو لوح پیشین تفاوت‌هایی دارد. فضای بخش نوشتار کوچک‌تر شده و با خطوط درشت سیاه جدول‌کشی شده است (تصویر ۲۳). نوشته‌ها نیز نه به خط ثلث بلکه به نستعلیق خوش‌نویسته شده‌اند. در اینجا به جای اسلیمی‌های زرد بر زمینه آبی‌رنگ، اسلیمی‌های درشت‌نقش دهان‌اژدری و گل‌های ختایی بر زمینه لاجوردی تیره ترسیم شده‌اند. علاوه بر این، برای گل‌ها از رنگ‌های سفید و سیاه و عنابی هم استفاده شده که در نمونه‌های پیشین وجود ندارد. بنابراین می‌توان فرض کرد که در دو کارگاه متفاوت ساخته شده باشند. متن کتیبه:

(۱) الحکم لله (۲) رفت برون بصد هزار امید/ زین جهان خرابه پرشور (۳) نونهال حقیقه جویی/ روشنی‌بخش چشم اهل شعور (۴) نیست در دید[ه]ها ز فرقت او/ بجز از اشک لاله‌گون منظور (۵) بهر تاریخ فوت جانسوزش/ چون حسین است نام این مغفور (۶) عزلت از غصه زد رقم با آه/ باد با شاه کربلا محشور ۱۱۲۳. فوت مرحوم مغفور محمدحسین ابن حاج الحرمین الشریفین حاجی محمدعلی فی روز شنبه بیست‌وسیم شهر رجب المرجب سنة ۱۱۲۹.

نکته جالب توجه اینکه سطور دوم تا ششم کتیبه حکایت از «فوت جانسوز» نونهالی به نام حسین دارد که ماده تاریخ آن «آه باد با شاه کربلا محشور» حاوی تاریخ ۱۱۲۹ است. خوش‌نویس کلمه «آه» را جزو ماده تاریخ در نظر نگرفته و عبارت «باد با شاه کربلا محشور» را در درون یک قاب مجزا نوشته و معادل عددی آن یعنی ۱۱۲۳ را در کنار آن نوشته است. از آنجا که خوش‌نویس تصور کرده ماده تاریخ همخوانی ندارد، در سطر هفتم در اندازه کوچک‌تر نام کامل متوفی (محمدحسین ابن حاجی محمدعلی) و سال ۱۱۲۹ را درج کرده است.

۳.۳.۴. لوح قبر بدون نام و تاریخ

دو قطعه بالایی از این لوح احتمالاً چهارتایی به جا مانده و از آنجا که معمولاً نام متوفی و تاریخ در نیمه پایینی لوح‌ها می‌آمده، چنین اطلاعاتی باقی نمانده است. متن لوح حاوی شعری از شاعری اهل دلیجان است؛ و هر سطر آن با جداولی به رنگ لاجوردی به دو بخش مجزا قاب‌بندی شده است. با وجود این، هر قاب شامل یک مصراع نیست و برخی از



تصویر ۲۳: لوح مزار محمدحسین، ۱۱۲۹ق/۱۷۱۷م، زیارتگاه امیراحمد

مصراع‌ها در قاب‌های بعدی به اتمام می‌رسد. فرم کلی این نمونه با لوح‌های خواجه عبدالکریم و نورالدین محمد شباهت دارد و تفاوت عمده آن در رنگ پس‌زمینه اسلیمی‌هاست که در اینجا به جای لاجوردی از فیروزه‌ای روشن استفاده شده است. متن کتیبه:

(۱) از گفتار ... زکی؟ دل‌جانی (۲) داد از این چرخ جفای‌پیشه مردم آزار / که بلوح دل‌احباب کشد (۳) طرح ستم / نوبر گلشن او نیست بجز خار بالا / حاصلی در چمنش نیست بغیر از ماتم / (۴) داشتم دوستی از جان بمن الفت (۵) بیشش / آنکه در ... وفا نقش زند جامی کم ... [ناتمام]



تصویر ۲۴: لوح مزار، زیارتگاه امیراحمد

۳. ۵. لوح قبر بدون نام و تاریخ

این لوح بسیار مشابه نمونه پیشین است و در برخی جزئیات مانند رنگ قاب محرابی تفاوت دارد. در اینجا نیز فقط دو کاشی بالایی به جا مانده و متن کتیبه شامل شعری از شاعری ناشناس است (تصویر ۲۵). هر سطر به دو بخش قاب‌بندی شده و معمولاً هر قاب شامل یک مصراع نیست، بلکه مثلاً در سطر چهارم، سه مصراع در درون دو قاب جای گرفته‌اند. متن کتیبه:

(۱) میرزای میرزایان رحمه الله (۲) وفات یافت رحمت پناه رضوان آرامگاه (۳) دردا که ناگهان ز جهان رفت خان ما/ وا حسرتا که کاسته شد از مه تمام (۴) داغی نهاد بر دل احباب رحلتش/ داغی که به نگردد و ماند علی الدوام/ گیتی نبود درخور آرا- (۵) مگاه او/ در خلد کرد منزل و بگذشت ازین مقام/ دنیا محل امن و امان نیست/ خلق را آخر گذشتن ... [ناتمام]

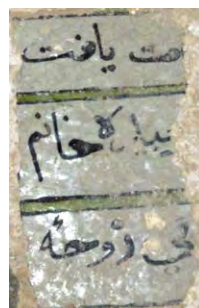


تصویر ۲۵: لوح مزار، زیارتگاه امیراحمد

۳.۳.۶. سه قطعه کاشی از سه قبر

دو تک کاشی در این دو پنا یافت می شوند که متعلق به ربع بالایی سمت راست لوح های احتمالاً چهارتایی هستند. یکی از آنها (تصویر ۲۶) قبلاً در کنار لوح خواجه عبدالکریم نصب شده بود (تصویر ۲۰). همانند لوح های خواجه عبدالکریم و نورالدین محمد، این دو کاشی نیز با عبارت «هوالباقی» آغاز شده و نیز قاب بندی و تزیینات یکسانی دارند. کاشی اول دربردارنده یک شعر بوده که مصرع های آن با دو خط موازی جدول کشی شده و ابتدا و انتهای هر قاب با پرانتزهای دالبری مشخص شده است. فضای خالی بیرون پرانتزها به رنگ زرد است. متن کاشی به خط نستعلیق چنین است: «(۱) هو [الباقی] (۲) عین دلم بود محمد رضی (۳) داد ازین واقعه جان گداز». دومین کاشی در زیارتگاه عطابخش به همراه سایر کاشی شکسته ها در کنار قبر صندوقی محمدقاسم نصب شده است (تصاویر ۷ و ۲۷). قاب بندی و طرح تزیینات اسلیمی در آن، تشابه اساسی با نمونه های موجود در زیارتگاه امیراحمد دارد و به همین دلیل می توان آن را به سده دوازدهم هجری قمری تاریخ گذاری کرد. در این کاشی، مصرع آغازین یک شعر بدین صورت به خط نستعلیق خوش نگاشته شده است: «ز مکر قضا و ز غدر قدر».

سومین قطعه کاشی که در زیارتگاه عطابخش یافت شد، اگرچه آن قدر ناقص است که نمی توان اظهار نظر دقیقی در مورد نوع لوح آن کرد، اهمیت آن از این روست که نام یک زن بر آن درج شده است: «(۱) [وفات یافت ... (۲) [زبیده خانم ... (۳) ... بی زوجه ...]» (تصویر ۲۸).



به ترتیب از راست به چپ؛ تصاویر ۲۶ و ۲۷: دو کاشی متعلق به دو قبر، زیارتگاه امیراحمد. تصویر ۲۸: قبر زبیده خانم، زیارتگاه عطابخش

۳. ۴. سده سیزدهم

کاشی‌های مزار معدودی از دوره قاجار در زیارتگاه عطابخش باقی مانده است که می‌توان آن‌ها را به دو گروه دسته‌بندی کرد: گروه اول شامل لوح‌های با نقش گلدانی بدون کتیبه است که یک نمونه سالم از آن به جا مانده است (تصویر ۲۹). این لوح نشان می‌دهد که سنت تولید لوح‌های مزار گلدانی دوره صفوی تا عصر قاجار امتداد داشته است. ابعاد آن (۷×۳) کاشی کاملاً متناسب با ابعاد قبر است و پس‌زمینه قاب اصلی آن برخلاف نمونه‌های صفوی نه به رنگ زرد بلکه به رنگ لاجوردی تیره است. به همین دلیل، هنرمند کاشی‌ساز رنگ غالب حاشیه‌ها و قوس محرابی را سفید و زرد در نظر گرفته است. گل‌فرنگ‌ها یا گل‌های صدف‌برگ، رنگ‌بندی، نقوش گیاهی و گلدان‌ها قابل مقایسه با تزیینات کاشی‌کاری بناهای قاجاری کاشان از جمله مسجد مدرسه آقابزرگ است (تصویر ۳۰) و به همین دلیل آن را باید متعلق به اوایل دوره قاجار دانست. نمونه ابتدایی این گل‌فرنگ‌ها در هنر اواخر دوره صفوی نمود پیدا کرده بود و در دوره قاجار با تأثیرپذیری بیشتر هنر ایران از اروپا، گل‌های صدف‌برگ صورتی‌رنگ با پردازش‌هایی^{۱۷} از رنگ سفید جنبه سب‌بعدی به خود گرفتند.



تصویر ۳۰: قاب کاشی‌کاری ورودی مسجد مدرسه آقابزرگ کاشان



تصویر ۲۹: قبر گلدانی، زیارتگاه عطابخش

گروه دوم قبرهای قاجاری از کاشی‌های آبی و سفید ساخته شده‌اند که از آن‌ها فقط یک نمونه تاریخی دار و تعدادی تک‌کاشی با طرح محرابی باقی مانده است. این نشان می‌دهد که در این دوره، استفاده از کاشی‌های هفت‌رنگ به‌عنوان لوح مزار متوقف شده و در عوض کاشی‌های ساده‌تر و با رنگ‌های محدود تولید شدند. هیچ نمونه کاملی از این نوع قبرها باقی نمانده است ولی آثار موجود همگی به روش نقاشی زیرلایی با دو رنگ محدود آبی و سفید کار شده‌اند. یکی از آن‌ها دارای کتیبه‌ای به خط نستعلیق به رنگ سیاه بر زمینه سفید است (تصویر ۳۱). عرض این لوح به‌اندازه سه کاشی و طول آن حداقل شش یا هفت کاشی بوده است. متن کتیبه باقی‌مانده بخشی از ۹ بیت شعر است که ماده تاریخ آن از بین رفته ولی عدد سال درج شده است. هر مصراع درون یک قاب‌بندی جای گرفته و کاشی‌های کناری دربردارنده حاشیه‌ای به عرض ۱۰ سانتی‌متر از لوزی‌های تکرار شونده هستند. بخش باقی‌مانده از این شعر چنین خوانده می‌شود:

(۱) آن گلی که چیده ز گلبن عمر/ ... رثا ... (۲) نوگلی رفت از این چمن که هزار/ عندلیب ... (۳) دارم از .../ کس و ... (۴) داغهایی کهن اینچنین؟ ز جهان/ بخیل؟ ... رفت (۵) سالک از درد و فتن [رف]-ت زود/ میکده ... (۶) مچین بهر عرشیان سخن؟ یار؟/ از خرد ... (۷) عید ما فی اخیها وزان فریاد/ از اوج حور طرح؟ کنید؟ بهار؟ (۷) در بهار جوان نشانم از آن/ بر دلم با داغ تازه نوبهار؟ (۸) گفت تاریخ سال تاریخی است (۱۲۱۱)/ مگر جهان ...

گرچه نام متوفی را نمی‌توان در شعر فوق یافت، ظاهراً عبارت «عید ما فی اخیها» و تکرار کلمه «بهار» به هم‌زمانی واقعه درگذشت او با عید نوروز دلالت دارد: عیدی که دیگر برادری در آن وجود ندارد. نکته مهم‌تر، کلمه «سالک» است که نشان می‌دهد احتمالاً متوفی شاعری با این تخلص بوده است. تک‌کاشی‌های باقی‌مانده همگی دارای طرح نیم‌محرابی هستند و متعلق به لوح‌های کوچکی به عرض دو کاشی بوده‌اند. آن‌ها نقوش متنوع گیاهی و حاشیه‌ای از لوزی‌های تکرارشونده دارند. یک نمونه از آن‌ها در گوشه پایینی تصویر ۳۱ نصب شده و دو طرح دیگر در تصویر ۳۲ قابل ملاحظه است.



تصویر ۳۲: سه کاشی متعلق به دو قبر، زیارتگاه عطابخش



تصویر ۳۱: لوح مزار، ۱۲۱۱ق/ ۹۷-۱۷۹۶م، زیارتگاه عطابخش

۴. تحلیل محتوای کتیبه‌ها

در میان نمونه‌های بررسی‌شده، چهارده لوح کتیبه‌دار هستند که ۹ لوح آن ناقص است. بر اساس کتیبه‌های موجود، می‌توان به تحلیل محتوای آن‌ها از نظر زبانی، اشعار و ماده‌تاریخ، جنسیت، مفاهیم مذهبی، نام‌ها و مشاغل پرداخت.

۴.۱. فارسی؛ زبان اصلی کتیبه‌ها

در میان چهارده لوح کتیبه‌دار، فقط کتیبه کوتاه لوح دختر میرحسینی به زبان عربی است. بقیه نمونه‌ها به زبان پارسی هستند، جز اینکه در صدر برخی از آن‌ها عبارت دینی کوتاه دو یا چندکلمه‌ای به زبان عربی آمده است. از میان سیزده لوح فارسی، چهار نمونه به نثر است و ۹ نمونه به شعر که گاهی به‌همراه شعر، عبارت نثر کوتاهی هم هست. استفاده از نثر و شعر فارسی در لوح مزارهای این دوران (اواخر سده دهم تا اوایل سده سیزدهم) جایگزین عبارت‌های عربی و فارسی‌عربی لوح‌های زرین‌فام سده نهم و دهم هجری قمری کاشان شده است (نک: مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۳۹۹، ۱۲۵). چنان‌که از هشت لوح قبر زرین‌فام، چهار لوح متقدم عربی است و متن اصلی چهار لوح که دو فقره آن متأخر است، به زبان فارسی است. بنابراین هرچه به زمان حال نزدیک می‌شویم، سنت فارسی‌نویسی بر لوح قبر کاشی

رایج‌تر می‌شود. بدین ترتیب در اواخر قرن دهم و پس از آن، فارسی‌نویسی بر عربی‌نویسی غلبه تام دارد و قریب به اتفاق لوح‌های مزار را شامل می‌شود.

۴.۲. مرثیه‌سرایی و ماده‌تاریخ

اساس متن ۹ فقره از سیزده لوح فارسی را شعر رثای مخصوص متوفی تشکیل می‌دهد که عموماً در پایان ماده‌تاریخ وفات آمده است. عمده اشعار پرمایه نیستند و برخی به لحاظ وزن و محتوا استحکام چندانی ندارند، اما در آن‌ها ابیات و مصرع‌های قوی مانند «ز مکر قضا و ز غدر قدر» نیز به چشم می‌خورد که متضمن صنایع ادبی است. در مقایسه با لوح‌های مزار زرین‌فام که بیشتر تک‌بیتی و دارای مضمونی کلی درباره مرگ و بی‌وفایی دنیا است، این اشعار در رثای متوفی سروده شده و در واقع شعر رثا نسبت به عبارات مذهبی اهمیت بیشتری یافته است. به تعبیر دیگر، شعر شخصی‌تر و عاطفی‌تر شده است. البته این نوع از اشعار در دو لوح کاشی زرین‌فام حدود نیمه قرن دهم هجری قمری نیز وجود دارد و می‌توان گفت از همان زمان آغاز و در قرون بعدی توسعه یافته است.^{۱۸}

در یکی از کاشی‌های نیمه اول قرن دوازدهم هجری قمری ضمن رثای متوفی، اشاره‌ای به امام حسین (ع) و شهدای کربلا شده که نشانگر اهمیت بیشتر شهادت امام حسین (ع) و آیین‌ها و باورهای مرتبط با آن در اواخر صفویه است. این امر قابل مقایسه با کتیبه‌های مزارهای دیگری از همین سال‌ها در شهر یزد است که در آن‌ها نام امام حسین (ع) و توسل به وی بازتاب زیادی دارد (دانش یزدی ۱۳۸۷، ۲۵۹ و ۲۵۴).

از میان ۹ لوح که دربردارنده شعر است، پنج شعر بیت آخر دارد و از این پنج لوح، سه مورد دارای ماده‌تاریخ است که می‌توان گفت حداقل نیمی از لوح‌ها ماده‌تاریخ داشته‌اند. این در حالی است که در میان نمونه‌های زرین‌فام فقط دو لوح مزار متأخر (متعلق به سده دهم هجری قمری) شعر ماده‌تاریخ دارند. این مسئله نیز توجه تدریجی به سرودن ماده‌تاریخ در اشعار فارسی از سده دهم به بعد را نشان می‌دهد. هم مقوله شعر رثا و هم ماده‌تاریخ را باید متأثر از سبک و سیاقی دانست که شاعران کاشان از سده دهم به بعد پی گرفته بودند. نمونه اعلای آن در هر دو مورد، محتشم کاشانی (متوفی ۹۹۶ق/۱۵۸۸م) است که هم شعر رثا را در ترجیع‌بند عاشورایی معروف خود به اوج رساند و هم سنت ماده‌تاریخ را که از جمله ویژگی‌های شعری وی و شاعران معاصرش بود و از آن زمان تاکنون نزد بسیاری از شعرای کاشان رواج دارد.

۴.۳. کتیبه‌های دینی عربی

همان‌طور که ذکر شد، در لوح مزارهای هفت‌رنگ از کتیبه‌های طولانی دینی عربی اثری نیست. تنها استثنا، لوح مزار صندوقه‌ای مورخ ۹۸۸ق/۱۵۸۱م است که بر لبه‌های جانبی آن صلوات کبیره به تکنیک لاجوردینه آمده است. در دیگر نمونه‌ها، این شعار شیعی مشهور که در اکثر لوح‌های مزار زرین‌فام دوره قبل آمده معمول نبوده است، بلکه در میان مضامین دینی، عبارات کوتاهی در صدر برخی از آن‌ها آمده است. این کتیبه‌ها به‌طور معمول به فانی بودن جهان، باقی بودن ذات خداوند و بازگشت به او اشاره دارند. بدین ترتیب فقط در پنج لوح، ترکیبات «هوالباقی» (سه بار)، «کل شی هالک الا وجه» (سه بار)، «الحکم لله» (یک بار) و «له الحکم و الیه ترجعون» (یک بار) آمده است.

۴.۴. نام‌ها و مشاغل

در میان نمونه‌های به‌جامانده، متوفایان نام‌هایی مانند محمدقاسم، عمادالدین، عبدالله، زبیده‌خانم، حسین (محمدحسین)، میرحسینی و خواجه عبدالکریم شیرازی دارند. برای یک شخص نیز عنوان «خان» ذکر شده که می‌تواند متضمن شغل یا منصبی محلی باشد. نورالدین محمد ابن استاد شهباز حلاج نیز به شغل حلاجی در شهری اشاره دارد که از دیرباز به صنعت نساجی شهره بوده است. در میان اسامی، به نام و تخلص شاعرانی نیز برمی‌خوریم که هر کدام مرثیه یکی از متوفیان را سروده‌اند، از جمله «عزلت» و «...زکی؟ دلجانی» در کاشی‌های اواخر صفوی و «سالک» در کتیبه مزار سال ۱۲۱۱ق/۱۷۹۶-۱۷۹۷م که می‌تواند نام یا تخلص شعری متوفی باشد. تلاش ما برای شناخت این شاعران بی‌نتیجه ماند.

۴.۵. لوح‌های مزار بانوان

از میان متوفایان لوح‌های کتیبه‌دار، به دو متوفای بانو برمی‌خوریم. یکی از آنان که احتمالاً متوفای قرن دوازدهم هجری قمری است، زبیده نام دارد، اما برای بانویی دیگر که صاحب یکی از لوح‌های بزرگ است، نامی قید نشده بلکه به اشاره

آمده است: «میرحسینی بتاریخ سیم محرم الحرام سنة ۱۰۵۷، وفات یافت بنته سیادت پناه». آوردن این کتیبه مختصر و کوچک در پای لوح ۷۰ در ۱۷۰ سانتی متری، غیرمعمول است و بیانگر محدودیتی در پرداختن به نام و مشخصات متوفی است. به نظر می رسد در لوح های مزار زنان در عین اهتمام به بیان احساسات بازماندگان در قالب استفاده از طرح های ظریف و هنری کاشی هفت رنگ، به واسطه باورهای عرفی، از آوردن نام آنان خودداری می شده است. همچنین به گمان ما تعداد چشمگیری از لوح های کاشی هفت رنگ بدون کتیبه که در همین قطع بزرگ و با طرح و رنگی چشم نواز کار شده اند، به زنان اختصاص دارد. در جدول ۱ لوح های مزار کتیبه دار به اجمال معرفی شده اند.

جدول ۱: لوح های مزار کتیبه دار

دوره	نام اشخاص	تاریخ	شعر فارسی	عبارت عربی	کتیبه
اواخر سده دهم	محمد قاسم	۹۸۸	هشت بیت از جمله «سلطان مرگ هیچ محابا نمی کند»	-	کامل
	عمادالدین	-	دو مصراع	-	یک کاشی ناقص
سده یازدهم	دختر میرحسینی	۱۰۵۷	-	له الحکم و الیه ترجعون، کل شیء هالک الا وجهه	کامل
	عبدالله	-	۱۶ بیت حاوی ماده تاریخ	هو، انت الباقی، کل شیء هالک	ناقص
	خواجه عبدالکریم شیرازی	۱۱۱۱	-	هوالباقی	چهار کاشی
	نورالدین محمد	۱۱۲۸	-	هوالباقی، کل شیء هالک الا وجهه	چهار کاشی
	محمدحسین	۱۱۳۹	پنج بیت حاوی ماده تاریخ، شاعر: «عزلت»	الحکم لله، اشاره به امام حسین (ع)	چهار کاشی
نیمه اول سده دوازدهم	بدون نام	-	پنج بیت از ... زکی؟ دلچانی	-	دو کاشی
	میرزا	-	چهار بیت	-	دو کاشی
	محمد	-	دو مصراع (عین دلم ...)	-	یک کاشی
	بدون نام	-	-	-	یک کاشی
	بدون نام	-	یک مصراع (ز مکر قضا ...)	-	یک کاشی
سده سیزدهم	زبیده خانم	-	-	-	یک کاشی ناقص
	فاقد نام (سالک)	۱۲۱۱	۹ بیت حاوی ماده تاریخ	-	ناقص

۶. سیر تحول فرمی

بر اساس آنچه بحث شد، بلافاصله پس از افول کاشی زرین فام در کاشان، کاشی هفت رنگ مزارها شکل گرفته اند. نخستین نمونه ها که از ترکیب ساده دو رنگ مایه لاجوردی تیره و روشن است، در دو لوح قبر زیارتگاه عطابخش به صورت مثبت و منفی کار شده که نشان دهنده درک عمیق کاشی ساز از مفهوم طرح و رنگ است. مرحله بعدی در قرن یازدهم هجری قمری کاشی های هفت رنگ در طراحی و رنگ بندی تنوع چشمگیری می یابند که به کلی با نمونه های سده قبل متفاوت است. در سده دوازدهم با لوح های مزاری در بنای سلطان امیراحمد مواجه هستیم که احتمالاً مرکب از چهار کاشی هستند و کمابیش رنگ بندی دوره قبل را حفظ کرده اند. در سده سیزدهم هجری قمری، علاوه بر ساخت کاشی هایی که تحت تأثیر هنر اروپا در آن ها نقوشی مانند گل فرنگ وجود دارد، کاشی های آبی و سفید رواج بیشتری یافت.

نکته مهمی که با بررسی چند قرن لوح های مزار کاشی در کاشان می توان بدان توجه کرد، رنگ های به کار رفته در آن هاست. از دوره ایلخانی تا اواخر سده دهم هجری قمری نمونه هایی از کاشی دواتشه یا زرین فام به جا مانده که به قول ابوالقاسم کاشانی به رنگ «زر سرخ» هستند و درخشان مانند «آفتاب» (کاشانی ۱۳۸۶، ۳۴۷). لوح مزار محمد قاسم به تاریخ ۹۸۸ ق/ ۱۵۸۱ م به تکنیک لاجوردینه تولید شده و در ساخت آن ورق طلا به کار رفته و بنابراین رنگ زرین در آن امتداد دارد. از سده یازدهم هجری قمری که کاشی های هفت رنگ در مزارهای کاشان رواج یافت، رنگ غالب در آن ها به زرد گراییده که به نوعی می تواند جانشین رنگ زرین نمونه های سده های قبل به شمار رود. نکته دیگری که در قیاس فرمی با نمونه های زرین فام باید مطرح شود این است که به سبب ظرفیت های نقاشانه کاشی هفت رنگ، تأکید بیشتری

بر نقوش تزیینی گیاهی و هندسی رنگارنگ به چشم می‌خورد، درحالی که در نمونه‌های زرین‌فام، متن اهمیت بیشتری داشت. دیگر اینکه طبیعتاً کاشی‌های هفت‌رنگ به‌صورت لوح یک‌تکه نیستند و شامل گروهی از کاشی‌های مربعی به ابعاد بین ۲۰ تا ۲۳ سانتی‌متری هستند که در کنار هم قرار گرفته‌اند. احتمالاً کوچک‌ترین نمونه‌ها، لوح‌هایی به ابعاد دو کاشی در دو کاشی بوده‌اند و بزرگ‌ترین آن‌ها لوح قبر محمدقاسم به ابعاد یازده در چهار کاشی است.

نتیجه

در این مقاله برای اولین بار در پژوهشی میدانی، بر اساس نمونه‌های عینی و اصلاح چینش کاشی‌ها به‌صورت نرم‌افزاری، سیر تطور کاشی هفت‌رنگ مزارهای کاشان از آغازین دوره شکل‌گیری و بلافاصله پس از افول کاشی زرین‌فام یعنی از نیمه دوم سده دهم تا نیمه اول سده سیزدهم هجری قمری معرفی شد. در محتوای لوح‌ها توجه به زبان فارسی جایگزین عبارت‌های قرآنی و شیعی به زبان عربی شده است که در لوح‌های مزار زرین‌فام دوره قبل رواج داشت. اکثر متون فارسی کتیبه‌ها در قالب شعر ماده‌تاریخ و محتوای مرثیاتی مخصوص متوفاست. سرایندگان این مرثیاتی که برخی تخلص هم دارند، شناخته‌شده نیستند و برخی اشعار نیز استحکام چندانی ندارند، اما می‌توانند تحت‌تأثیر سنت ماده‌تاریخ و مرثیه‌سرایی شاعران بزرگی چون محتشم باشند. این اشعار فارسی تا حدود زیادی جای عبارت دینی بلند مانند صلوات کبیره را که در لوح‌های مزار زرین‌فام بازتاب زیادی داشت گرفته و فقط در صدر عموم کتیبه‌ها عبارتی در بقای ذات خدا، تقدیر و فانی بودن جهان آمده است.

نمونه‌های مورد بررسی، نموداری از تکوین و تطور هنری و محتوایی کاشی هفت‌رنگ در نسبت با کاشی زرین‌فام در کاشان است. این کاشی‌ها به‌سبب شمول دوره‌های مختلف تاریخی، می‌توانند به‌عنوان یکی از معیارهای تحول کاشی هفت‌رنگ در هنر ایرانی و اسلامی مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس، کاشی هفت‌رنگ کاشان نیز همانند زرین‌فام دارای سبک خلاقانه و شاید منحصر به فردی بوده است. گویا روند فنی آسان‌تر در تهیه مواد، ساخت و پخت این کاشی نسبت به زرین‌فام، کاشی‌سازان این شهر را به‌سمت کاشی هفت‌رنگ سوق داده است. در مدت دوساله انجام این مقاله، کاشی‌های زیارتگاه سلطان امیراحمد از جای خود کنده شدند و در مکانی نامناسب نگهداری می‌شوند. همین اتفاق برای کاشی‌های سالم و شکسته‌ای که در کف‌فرش زیارتگاه میرنشانه کاشان بود نیز تکرار شد، اما متولی زیارتگاه کاشی‌های کنده‌شده را برای عکاسی به ما نشان نداد و لذا از سرنوشت آن اطلاعی نداریم. اکنون کاشی‌های زیارتگاه عطابخش نیز بدون هیچ حفاظت و مرمت فنی به حال خود رها شده و در صورت بی‌توجهی، احتمالاً به سرنوشت دو زیارتگاه دیگر دچار خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اولین نمونه تاریخ‌دار کاشی هفت‌رنگ در ایران در مقبره شادملک در مجموعه شاه‌زنده سمرقند مربوط به حدود سال‌های ۷۶۰-۷۷۰ ق (۱۳۶۰-۱۳۷۰ م) یافت می‌شود (O'Kane 2011, 179-181).
۲. برای نمونه، ابوالقاسم کاشانی در آغاز سده هشتم هجری قمری می‌نویسد: «و اگر آلات هفت‌رنگ خواهند که در این زمان مندرس است» (کاشانی ۱۳۸۶، ۳۴۷).

3. Cuerda Seca

۴. با بررسی متون تاریخی نمی‌توان دریافت که کدام‌یک از نام‌های «سلطان امیراحمد» یا «سلطان میراحمد» صحیح است؛ مثلاً عبدالرحیم کلانتر ضرابی می‌نویسد که زیارتگاه «سلطان امیراحمد بن امام همام حضرت موسی بن جعفر» در «محلّه سلطان میراحمد شهره واقع شده» است (کلانتر ضرابی ۱۳۷۹، ۴۳۱).

۵. برای معرفی و تحلیل فرم و محتوای پانزده نمونه از این لوح‌ها، نک: مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۳۹۹، ۱۱۰-۱۲۳. به‌جز لوح‌های معرفی‌شده در آن مقاله، سه نمونه دیگر نیز بر ما شناخته شده که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند: اولی لوح مزار بی‌بی خند خاتون بنت سید غیاث مورخ ۵ جمادی‌الآخر ۸۹۶ ق/ ۱۴۹۱ م (مجموعه خلیلی در لندن، شماره: POT1598) است. دومین اثر،

لوح مزار محرابی زین‌العابدین فرزند سید میرعلی (مجموعه الصباح کویت، شماره: LNS 515C) است که توسط سید محمد بن مظفر در سال ۸۸۱ق/۱۴۷۶-۱۴۷۷م ساخته شده و دربردارنده آیات ۲۶ و ۲۷ سورة الرحمن، صلوات کبیره و پنج بیت شعر است (نک: Curatola 2012, cat. 170). سومین اثر، نیمه بالایی یک لوح مزار است که نام متوفی و تاریخ آن به جا نمانده و اکنون در موزه سلطنتی انتاریو (Royal Ontario Museum, inv. no. 950.157.136) نگهداری می‌شود.

۶. از جمله قدیمی‌ترین و جدیدترین این سنگ‌ها، می‌توان به سنگ قبر علی نوش‌آبادی از سال ۹۸۰ق/۱۵۷۲-۱۵۷۳م و سنگ قبری در جوشقان به تاریخ ۱۰۵۴ق/۱۶۴۴م اشاره کرد.

۷. این لوح زرین‌فام کار علی بن محمد بن ابی‌طاهر است که در دوره پهلوی اول به موزه ایران باستان منتقل شده است (نراقی ۱۳۴۳، ۱۶؛ Watson 1985, 136-138).

۸. فقط دو فقره از سه قطعه این لوح باقی مانده که در موزه هربرت جانسون (Herbert F. Johnson Museum of Art, no.) (Kanda 2017, 217, fig. 1) نگهداری می‌شود.

۹. متوفی از نوادگان قاضی زین‌الدین عبدالجبار طوسی (م ۱۱۳۵ق/۱۷۲۹م) عالم شیعه ساکن کاشان است (خامه‌یار ۱۳۹۵، ۱۵۳). این لوح که دو قطعه از آن به ارتفاع ۱۳۱ سانتی‌متر باقی مانده، فاقد قطعه سوم و بدون تاریخ است؛ اما با توجه به سبک کار و همچنین نام متوفی باید متعلق به اواخر سده هفتم/سیزدهم و اوایل سده هشتم/چهاردهم باشد. بر گرداگرد این لوح که در موزه بریتانیا (شماره G.499) نگهداری می‌شود، آیت‌الکرسی و در داخل قاب محرابی آن نام متوفی آمده است (نک: URL 1).

۱۰. این زیارتگاه منسوب به ابولؤلؤ، قاتل عمر خطاب است. بر کاشی‌های این قبر که در موزه ملی کاشان نگهداری می‌شود، پس از سوره‌های حمد و توحید آمده است: «هذا قبر عبد من عبادالله الصالحین حشره الله مع من کان یتولاه به تاریخ ۷۷۷ هجری» (نراقی ۱۳۸۲، ۱۳۶). برای چاپ تصویر بخشی از آن، نک: اکبری ۱۳۹۸، ۲۶.

11. Museum für Kunst und Gewerbe in Hamburg

۱۲. البته صندوق مزار بقعه حبیب بن موسی نیز مزین به کاشی‌های هفت‌رنگ صفوی است ولی این صندوقه با کاشی‌های زرین‌فام ایلخانی پوشیده بوده که در دوره پهلوی فقط بخش‌هایی از آن با کاشی‌های صفوی تکمیل شده است (نک: غیثیان و اسدی چیمه ۱۴۰۰).

۱۳. در تکنیک لاجوردینه از ورق طلا بر زمینه لعابدار لاجوردی، فیروزه‌ای یا سفید استفاده شده و گاهی رنگ‌های سیاه و قرمز نیز برای تزئین آن به کار می‌رود (نک: O'Kane 2011, 179-185; Porter 1995, 39-41, figs. 25-29).

۱۴. محراب همان شبستان که تزیینات نقاشی بر روی گچ دارد، دربردارنده تاریخ «هفدهم شهر رمضان فی سنة ۱۲۴۲» (۱۸۲۶-۱۸۲۷م) است؛ اما تاریخ‌گذاری احداث شبستان قاجاری به مطالعات معماری نیاز دارد.

۱۵. حرف «م» دو بار و حرف «ح» یک بار در پایان سه مصرع آمده و علت و مفهوم آن مشخص نیست.

۱۶. آخرین لوح زرین‌فام کاشان که بر ما شناخته شده، ماجرای یک رؤیا را ثبت کرده و در روستای بزدلان در حوالی کاشان است و تاریخ ۱۰۱۵ق/۱۶۰۷م دارد (نک: مشهدی نوش‌آبادی و غیثیان ۱۴۰۰، تصویر ۸).

۱۷. پرداز به شیوه‌ای از ظرافت‌کاری در نقاشی ایران اطلاق می‌شود که هنرمند با کنار هم گذاردن نقطه‌ها یا هاشورهای بسیار ظریف بافتی مخملین به سطح اثرش می‌بخشد.

۱۸. نمونه ابتدایی شعر رثا در زرین‌فام‌های سده دهم، لوح مزار نوجوانی به نام میرمحمد است که شعر ضعیفی دارد و احتمالاً در سال ۹۳۹ق/۱۵۳۳م ساخته شده است (مشهدی نوش‌آبادی و غیثیان ۱۳۹۹، ۱۱۸-۱۲۰). نمونه برجسته سرایش شعر مخصوص متوفی در لوح مزار شیخ جمال‌الدین به تاریخ ۹۶۷ق/۱۵۶۰م است که محتشم کاشانی سه بیت شعر حاوی ماده‌تاریخ برای آن سروده است (همان، ۱۲۰-۱۲۱؛ Kanda 2017, 274-277).

منابع

- اکبری، عباس. ۱۳۹۸. کاشی و کاشان. مؤلف.
- اکبری، عباس، امیرحسین چیت‌سازیان، و انسیه موسوی ویایه. ۱۳۹۹. پیدایش، شکوفایی و افول سفال لاجوردینه. هنرهای

زیبا-هنرهای تجسمی ۲۵ (۲): ۵۳-۶۲.

- جمالی، محمد. ۱۳۹۱. تاریخچه زیارت حبیب بن موسی. کاشان: همگام با هستی.
- خامه‌یار، احمد. ۱۳۹۵. لوح مزار قاضی جلال‌الدین عبدالملک از نسل قاضی عبدالجبار طوسی در موزه بریتانیا. پیام بهارستان ۳۷: ۱۵۵-۱۵۰.
- دانش یزدی، فاطمه. ۱۳۸۷. کتیبه‌های اسلامی شهر یزد. تهران: سبحان نور.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم. ۱۳۷۹. تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- غیاثیان، محمدرضا، و ندا اسدی چیمه. ۱۴۰۰. محمداطاهر نقاش کاشانی: شاعر ذوقنون دوره صفوی. کاشان‌شناسی ۳۵: ۳-۳۰.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۸۶. عرایس الجواهر و نقایس الاطایب. به کوشش ایرج افشار. تهران: المعی.
- مشکاتی، نصرت‌الله. ۱۳۴۵. نگاهی به باستان‌شناسی کاشان و بنای مشهور تاریخی میدان سنگ. هنر و مردم، ش. ۵۳-۵۴: ۱۴-۷.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۴۰۰. بررسی تاریخی و مردم‌شناختی سنگ قبرهای صفوی جوشقان استرک. پژوهش‌های علوم تاریخی ۲۵: ۱۳۷-۱۶۴.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و محمدرضا غیاثیان. ۱۳۹۹. الواح زرین‌فام کاشان در اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری. پژوهش‌های علوم تاریخی ۱۲ (۳): ۱۰۷-۱۳۱.
- _____ . ۱۴۰۰. رؤیانگاری بر کاشی زرین‌فام در دو بنای قدمگاهی کاشان از دوران ایلخانی و صفوی. فرهنگ و ادبیات عامه ۸ (۳۷): ۱۰۱-۱۳۱.
- نراقی، حسن. ۱۳۴۳. نظری به آرامگاه شاه‌عباس کبیر در کاشان و مدارک تاریخی آن. هنر و مردم ۲۴: ۱۰-۱۷.
- _____. ۱۳۸۲. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Curatola, Giovanni. 2012. *Al-Fann: Art from the Islamic Civilization: From the al-Sabah Collection, Kuwait*. London: Thames & Hudson.
- Kanda, Yui. 2017. Kashan Revisited: A Luster-Painted Ceramic Tombstone Inscribed with a Chronogram Poem by Muhtasham Kashani. *Muqarnas* 34: 273-286.
- O'Kane, Bernard. 2011. Tiles of Many Hues: The Development of Iranian Cuerda Seca Tiles and the Transfer of Tilework Technology. In: *And Diverse Are Their Hues: Color in Islamic Art and Culture*, ed. Jonathan Bloom and Sheila Blair, 174-203. New Haven: Yale University.
- Pope, Arthur Upham. 1977. Architectural Ornament. In: *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, edited by Arthur Upham Pope, vol. 3, 1258-1364. Tehran: Soroush Press.
- Porter, Venetia. 1995. *Islamic Tiles*. London: British Museum Press.
- Samkoff, Aneta. 2014. From Central Asia to Anatolia: The Transmission of the Black-Line Technique and the Development of Pre-Ottoman Tilework. *Anatolian Studies* 64: 199-215.
- Watson, Oliver. 1985. *Persian Lustre Ware*. London: Faber and Faber.
- URL 1: www.britishmuseum.org/collection/object/W_G-499 (accessed: January 2022).

Abstract

■ *Cuerda Seca* Tomb Tiles in the Shrines of Sultan ‘Ata-bakhsh and Sultan Amir Ahmad in Kashan (16th-18th Centuries)

Mohamad-Reza Ghiasian

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan

Mohammad Mashhadi Noosh-abadi

Associate Professor, School of Literature and Foreign Languages, University of Kashan

This paper examines *cuerda seca* tomb tiles from the late sixteenth to the early nineteenth century in the two shrines of Sultan ‘Ata-bakhsh and Sultan Mir Ahmad in Kashan. The first example belongs to a late sixteenth-century tomb, painted in two shades of cobalt blue against a white background. From the seventeenth century, at least four tombstones remain that are decorated with vegetal motifs on a yellow background, some of which interestingly lack any text. Early eighteenth-century examples include a number of tomb tablets consisting of four mud-brick tiles with a *mihrahi* frame. The few surviving works from the Qajar period are either made of blue and white tiles or of *cuerda seca* tiles with floral patterns. The main question in this research is documenting the formation and evolution of *cuerda seca* tomb tiles of Kashan and their difference in form and content from lustre tombstones of the early Safavid period. In terms of content, attention to Persian elegies can be seen as so significant that they replaced Arabic phrases used in previous periods. Regarding form, the investigated examples show more emphasis on decorative motifs, in contrast to text, as was used in lustre tiles.

Keywords: tombstones, *cuerda seca* tiles, Kashan, shrine of Sultan ‘Ata-bakhsh, shrine of Sultan Amir Ahmad



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران